

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسندگان: باربارا فونیس* و ماریانا مورالس**
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: عثمان حیدری
۱۰ فبروری ۲۰۲۵

برای یک جنبش ضد امپریالیستی در مقابله با تعرفه‌ها و خروج ترمپ



با اعلام وضع تعرفه ۲۵ درصدی بر صادرات مکزیکو و کانادا به ایالات متحده و ۱۰ درصدی بر کالاهای چینی—که ترمپ به‌طور موقت برای مکزیکو تعلیق کرد—فصل جدیدی از رویارویی تجاری آغاز شده و عدم اطمینان اقتصادی تشدید می‌شود.

از آنجا که این کشورها روابط اقتصادی گسترده‌ای دارند، به‌ویژه در امریکای شمالی، نغتنها جریان‌های عظیم تجاری در معرض خطر قرار گرفته‌اند، بلکه شرایط کار و زندگی طبقه کارگر و اقشار فرودست این کشورها نیز متأثر شده و پیامدهای آن به امریکای لاتین و اقتصاد جهانی کشیده خواهد شد. در این شرایط، به‌ویژه در برابر سیاست‌های ضد مهاجرتی، کارگران باید جنبشی قدرتمند و بین‌المللی ضد امپریالیستی به راه بیندازند.

بحران جهانی شدن و افول هژمونی نئولیبرالیسم، یکی از نمودهای خود را در سیاست‌های حمایت‌گرایانه و مواضع توسعه‌طلبانه دونالد ترمپ و تنش‌های بین مکزیکو و ایالات متحده نشان داده است. ترمپ با استناد به «قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی (IEEPA)» و «قانون شرایط اضطراری ملی» (NEA) «که در دوران جنگ سرد توسط امریکا استفاده می‌شد—افزایش تعرفه ۲۵ درصدی بر صادرات مکزیکو و کانادا، ۱۰ درصدی بر صادرات نفت و گاز کانادا و ۱۰ درصدی بر کالاهای چینی را اعلام کرد. این تعرفه‌ها قرار بود از روز سه‌شنبه ۴ فبروری اجرائی شوند، اما در مورد مکزیکو، پس از فشارهای شدید ترمپ و تماس تلفونی بین رئیس‌جمهور مکزیکو، شینبائوم، و

رئیس‌جمهور امریکا، اجرای آن یک ماه به تعویق افتاد، مشروط بر این که مکزیکو ۱۰ هزار نیروی گارد ملی را به مرز شمالی اعزام کند.

رئیس‌جمهور امریکا با بهانه قاچاق و فروش غیرقانونی موادی مانند فتانیل—که بخشی از یک سیاست شیطنانی و بیگانه‌ستیزانه علیه مکزیکو است—وضع تعرفه‌ها را نه تنها به‌عنوان سیاستی حمایت‌گرایانه، بلکه همچنین ابزاری برای تحمیل سیاست‌های ضد مهاجرتی، ضد حقوق بشری و توسعه‌طلبانه نظامی خود در بحبوحه افول هژمونی امریکا به کار گرفت.

سیاست‌های حمایت‌گرایانه و آسیب‌های اقتصادی

یکی از وعده‌های ترمپ در دوران انتخابات، بازگرداندن کارخانه‌ها به خاک امریکا بود که در میان کارگران چند قومیتی شمال رودخانه ریو براوو محبوبیت داشت. این وعده در دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش محقق نشد و اکنون قصد دارد با افزایش تعرفه‌ها و سیاست‌های قهری آن را عملی کند. اما پیامد فوری این اقدام، افزایش تورم و فشار اقتصادی بر میلیون‌ها کارگر و خانواده‌هایشان در دو سوی مرز، و آسیب به تجارت دوجانبه و کل اقتصاد خواهد بود. اکنون، در دوران پساکرونا، که اثرات منفی گسستن زنجیره‌های تأمین بین کشورها آشکار شده، وضع احتمالی تعرفه علیه مکزیکو می‌تواند بر اقتصاد این کشور تأثیر منفی بگذارد. مکزیکو حدود ۸۰ درصد از تولیدات صنعتی خود را به امریکا صادر می‌کند و اقتصادش عمدتاً بر پایه مونتاژ قطعاتی شکل گرفته که بخشی از آنها از شمال ریو براوو وارد می‌شود.

از تهدید تا اجرای دستورات اجرایی

با این حال، بخش‌هایی از اقتصاد امریکا، از جمله کشاورزی، تولید مواد کیمیائی، نیمه‌هادی‌ها و صنعت خودروسازی، به صادرات محصولات خود به مکزیکو وابسته‌اند. مکزیکو در حال حاضر بزرگ‌ترین شریک تجاری ایالات متحده است. بر اساس گزارش نیویورک تایمز، خودروها، محصولات الکترونیکی و پارچه‌های جین بین امریکا، مکزیکو و کانادا جابه‌جا می‌شوند و در مراحل مختلف، از مواد خام به قطعات و سپس به محصولات نهایی تبدیل می‌شوند. اقتصاددانان S&P Global تخمین می‌زنند که بیش از ۱۸ درصد از واردات ایالات متحده از کانادا و مکزیکو، در امریکا تولید شده و سپس به این کشورها ارسال شده است.

آیا تاریخ تکرار می‌شود؟ در سال ۲۰۱۸، ترمپ تعرفه‌هایی بر کالاهای وارداتی از کانادا، چین، مکزیکو و اتحادیه اروپا اعمال کرد. در واکنش، برخی کشورها از جمله مکزیکو، تعرفه‌هایی بر کالاهای امریکائی وضع کردند. به گزارش وال‌استریت ژورنال، تعرفه‌های چهار مرحله‌ای ترمپ بر کالاهای چینی در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۸ شامل وارداتی به ارزش ۳۶۰ میلیارد دلار بود. در سال ۲۰۲۳، تعرفه‌های جدید علیه کانادا، مکزیکو و چین می‌توانست بر کالاهائی به ارزش بیش از ۱.۳ تریلیون دلار اعمال شود.

ترمپ زمانی که لوپز اوبرادور در همان سال به قدرت رسید، بار دیگر تهدید به اعمال تعرفه کرد، مگر این که مکزیکو مانع از ورود «مهاجران غیرقانونی» به امریکا شود. در نتیجه، اولین دولت موسوم به «چهارمین تحول» مکزیکو، از یک گفتمان انسان‌دوستانه در قبال مهاجران به ایفای نقش پولیس امریکا تغییر مسیر داد، مرزها را نظامی‌سازی کرد و گارد ملی تازه تأسیس را برای جلوگیری از حرکت کاروان‌های مهاجران به سوی شمال، همراه با همکاری مؤسسه ملی مهاجرت و ارتش، مستقر کرد.

پاسخ به تعرفه‌ها

در مکزیکو، رئیس‌جمهور شینباؤم ابتداء آنچه را که «تهدمت‌ها»ی دولت ایالات متحده خواند، رد کرد و همان موضع‌گیری هفته‌های گذشته را حفظ کرد، با تأکید بر «همکاری، بدون تبعیت». این رویکرد به معنای دعوت به مذاکره بود: «مشکلات با تحمیل تعرفه‌ها حل نمی‌شوند، بلکه از طریق صحبت و مذاکره، همان‌گونه که در هفته‌های اخیر با وزارت امور خارجه آمریکا درباره پدیده مهاجرت انجام دادیم»، او در شبکه‌های اجتماعی اعلام کرد. شینباؤم همچنین فرصت را غنیمت شمرد تا تأکید کند که سلاح‌های مورد استفاده در جرایم سازمان‌یافته از آمریکا وارد مکزیکو می‌شوند و به‌طور ضمنی از احتمال وضع تعرفه بر کالاهای امریکائی سخن گفت، هرچند جزئیات بیشتری ارائه نکرد.

پس از شوک اولیه در بازارهای جهانی ناشی از آغاز جنگ تجاری ترمپ، رئیس‌جمهور مکزیکو با اعزام ۱۰ هزار نیروی گارد ملی موافقت کرد—اقدامی که گام بزرگی در مسیر نظامی‌سازی مرزها به بهانه مقابله با قاچاق فنتانیل محسوب می‌شود—در مقابل، اجرای تعرفه‌ها برای یک ماه به تعویق افتاد. اما علت واقعی این سیاست جدید ترمپ، سرکوب مهاجرت از طریق نیروهای سرکوبگر و خفه کردن هرگونه اعتراض اجتماعی است.

از سوی دیگر، درحالی‌که کنفرانس ملی فرمانداران—از جمله فرمانداران احزاب راست‌گرای اقدام ملی (PAN)، انقلابی نهادی (PRI) و جنبش شهروندی—حمایت خود را از شینباؤم در این بحران ابراز کردند، خورخه رومرو، رهبر ملی حزب اقدام ملی (PAN)، با به‌کارگیری سیاست تجاری به‌عنوان ابزار تهدید یا باج‌گیری مخالفت کرد و این تصمیم دولت ترمپ را رد کرد، اما درعین‌حال از اتهامات کاخ سفید حمایت کرد.

او گفت: «اتهامی که دولت ایالات متحده علیه مکزیکو در رابطه با همدستی با جرایم سازمان‌یافته مطرح کرده، بسیار جدی است و شواهد آن روزبه‌روز افزایش می‌یابد... دولت مکزیکو بسادگی تصمیم گرفته است که با جرایم سازمان‌یافته مقابله نکند.» رومرو همچنین ادعا کرد که حمایت حزب حاکم مورنا از روبن روچا، فرماندار ایالت سینالوا که مظنون به ارتباط با گروه‌های تبهکار است، این موضوع را تأیید می‌کند. الیتو مورنو، رهبر حزب انقلابی نهادی (PRI) نیز موضع مشابهی اتخاذ کرد: او سیاست‌های اعلام‌شده از سوی کاخ سفید را مورد انتقاد قرار داد اما دولت مورنا را به «سهل‌انگاری» در مبارزه با قاچاق مواد مخدر متهم کرد و عملاً با ادعاهای ترمپ همراه شد. این موضع‌گیری احزاب راست‌گرای مخالف، نشان‌دهنده ماهیت وابسته و طرفدار امپریالیسم آن‌ها است، که ادامه‌دهنده سیاست‌هایی هستند که در دوران ریاست‌جمهوری خود دنبال می‌کردند.

پیامدهای احتمالی

اعلام تعرفه‌ها در وهله نخست، موجب کاهش ارزش پزو در برابر دلار شد، به‌طوری‌که در زمان انتشار این گزارش، نرخ برابری آن به حدود ۲۱ پزو در برابر هر دلار رسید، درحالی‌که در ماه مه ۲۰۲۴، در دوران ریاست‌جمهوری لویز اوبرادور، این نرخ ۱۶.۸۴ پزو بود. در صورت اجرائی شدن تعرفه‌ها، قیمت کالاها و خدمات مصرفی در مکزیکو و سایر کشورهای امریکای شمالی افزایش خواهد یافت، که تأثیر مستقیمی بر تورم خواهد داشت و فشار اقتصادی بیشتری بر طبقات کارگر و اقشار کم‌درآمد وارد خواهد کرد.

تحلیلگران اقتصادی از زمان اعلام این تعرفه‌ها هشدار داده‌اند که این سیاست جدید، موجب کاهش رشد اقتصادی خواهد شد. اگر رشد تولید ناخالص داخلی مکزیکو در سال ۲۰۲۴ تنها ۱.۳٪ بود، در چنین شرایطی رکود اقتصادی در سال ۲۰۲۵ پیش‌بینی می‌شود. در بخش صادرات، بیشترین آسیب به مناطق شمالی مکزیکو و ایالت‌های واقع در منطقه باجیو—از جمله گواناخوانو، خالیسکو، میچوآکان، آگواسکالینتس، ساکاتکاس، سن لوئیس پوتوسی و کیرتارو—وارد

خواهد شد، چراکه این مناطق از مراکز اصلی تولیدات صنعتی و مونتاژ کارخانه‌ای (ماکیلا) هستند. علاوه بر این، شرکت‌های خودروسازی چندملیتی مانند جنرال موتورز، تویوتا، بی‌ام‌و، مزدا، نیسان و سایر برندها، از تعرفه‌های تجاری و جنگ اقتصادی ایالات متحده آسیب خواهند دید. همان‌گونه که در هر بحران یا رکود اقتصادی رخ می‌دهد، این وضعیت بهانه‌ای برای شرکت‌های چندملیتی و صنایع بزرگ خواهد شد تا کاهش دستمزدها، اخراج‌ها و تعطیلی‌های موقت را توجیه کنند.

آنچه اکنون شاهد آن هستیم—از احتمال اجرای تعرفه‌ها تا نظامی‌سازی مرزها و پذیرش دیکته‌های ترمپ—نتیجه وابستگی ساختاری اقتصاد مکزیکو به سرمایه‌داری جهانی است. این وضعیت همچنین نشان‌دهنده ماهیت واقعی مدل ادغام اقتصادی است که دولت‌های مختلف، از طیف‌های گوناگون سیاسی، همواره آن را به‌عنوان «راحل معجزه‌آسا» برای توسعه مکزیکو مطرح کرده‌اند، درحالی‌که در واقعیت، طبقه کارگر و اقشار فرودست بار دیگر قربانی تبعیت کشور از امپریالیسم امریکا خواهند شد. مکزیکو همچنان در چارچوب یک مدل سرمایه‌داری وابسته گرفتار است که سیاست‌هایش تابع کاخ سفید و شرکت‌های چندملیتی است. در این میان، میلیون‌ها مهاجر از مکزیکو، کارائیب، امریکای مرکزی و جنوبی—که از ابتدائی‌ترین حقوق خود محروم شده و اکنون با تهدید اخراج دسته‌جمعی مواجه هستند—نیروی کار ارزان‌قیمتی را فراهم می‌کنند که به کارفرمایان امریکائی امکان می‌دهد سطح دستمزدها را در میان کارگران بومی نیز پائین نگه دارند.

ما شاهد تشدید سیاست‌های حمایت‌گرایانه امپریالیسم امریکائی هستیم، که علاوه بر مکزیکو، اتحادیه اروپا را نیز با تهدیدهای تعرفه‌ی مواجه کرده است. این روشی است که قدرت مسلط جهانی برای مقابله با بحران ناشی از فقدان یک موتور محرک مشخص در اقتصاد بین‌المللی به‌کار می‌برد، بحرانی که رقابت فزاینده چین در حوزه‌های اقتصادی و فناوری آن را تشدید کرده است. هنوز مشخص نیست ترمپ تا کجا این سیاست را پیش خواهد برد، اما روشن است که این اقدامات، تضادهایی را حتی در میان طبقه حاکم ایالات متحده ایجاد کرده است، به‌طوری که لابی‌های شرکتی صنایع آسیب‌دیده، شروع به اعتراض به سیاست‌های کاخ سفید کرده‌اند.

در برابر تهاجم امپریالیستی، برای وحدت بین‌المللی طبقه کارگر

در شرایط کنونی، ضروری است که سازمان‌های کارگری در مکزیکو موضعی قاطع در برابر این تهاجم جدید امپریالیستی و توسعه‌طلبانه ایالات متحده اتخاذ کنند، که در قالب اعلام تعرفه‌های جدید و آغاز اخراج مهاجران تجلی یافته است. مذاکره با دولت، کارفرمایان و شرکت‌های چندملیتی برای کاهش شدت ضربه بر طبقه کارگر راهل مناسبی نیست. هیچ منافع مشترکی با کسانی که نیروی کار را با دستمزدهای ناچیز و شرایطی غیرانسانی استثمار می‌کنند، وجود ندارد.

لازم است یک جنبش ضد امپریالیستی مستقل از دولت، راست‌گرایان و بوروکرات‌هایی که در خدمت منافع سرمایه‌داران هستند و برای افزایش بهره‌وری به زیان طبقه کارگر تلاش می‌کنند، شکل بگیرد—جنبشی که نه تنها در برابر سیاست‌های نژادپرستانه دولت امریکا ایستادگی کند، بلکه برای مقابله با گرانی و حملاتی که در راه است، آماده شود.

در این راستا، دفاع از حقوق دموکراتیک مهاجران در اولویت قرار دارد، از جمله حق عبور آزاد از مرزها و برخورداری کامل از حقوق کاری، سیاسی و اجتماعی مانند دسترسی به مسکن، آموزش و بهداشت. در عین حال، باید

مبارزه‌ای جدی علیه نظامی‌سازی کشور و برای انحلال گارد ملی، که در جنوب و شمال کشور همانند گشت مرزی ایالات متحده عمل می‌کند، سازماندهی شود.

سیاست دولت شیننبوم تنها به اظهاراتی در دفاع از حاکمیت ملی محدود شده است. با این حال، او در نهایت تسلیم فشارهای ترمپ شده و روند نظامی‌سازی علیه مهاجران و مردم را تشدید کرده است. آنچه شاهد آن هستیم، پیامدهای سیاست وابستگی به ایالات متحده است—سیاستی که توسط دولت‌های نئولیبرال اجراء شده و اکنون توسط شیننبوم ادامه می‌یابد. این مسیر، چشم‌اندازی مطلوب برای کارگران مکزیکو ندارد. آنچه ضروری است، اتخاذ موضعی مستقل از امپریالیسم و جست و جوی هم‌پیمانانی در میان اکثریت مردم این کشورها است.

بنابراین، باید برای وحدت طبقه کارگر و اقشار تحت ستم در مکزیکو، کانادا و ایالات متحده تلاش کرد. این وحدت باید با چشم‌انداز مبارزه برای تشکیل دولت‌های کارگری همراه با اقشار فرودست باشد—دولت‌هایی که به سنگر‌هایی برای مقابله با امپریالیسم در سطح قاره‌ای و جهانی تبدیل شوند و مسیر مصادره اموال سرمایه‌داران را بکشایند. این رامحلی است در برابر رکودی که ترمپ قصد دارد مکزیکو و کانادا را به واسطه آن به ایالت‌هایی وابسته به ایالات متحده تبدیل کند.

طبقه کارگر و اقشار تحت ستم، توان بالقوه‌ای برای کسب قدرت و از میان برداشتن مرزهای امپریالیستی دارند—مرزهایی که ما را از هم جدا کرده‌اند. آن‌ها می‌توانند یک برنامه جامع برای برنامه‌ریزی اقتصادی منطقه‌ای در جهت منافع اکثریت تدوین کنند و یکپارچگی واقعی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم این منطقه را در قالب فدراسیون ایالات متحده سوسیالیستی امریکای شمالی، امریکای مرکزی و کارائیب محقق سازند.

[۰۸ فبروری ۲۰۲۵](#)

*- باربارا فونس - مکزیکوو سیتی/BrbaraFunes3@

** - ماریانا مورالس - جامعه‌شناس، استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه ملی خودمختار مکزیکو (UNAM)